

بررسی مردم‌شناختی مراسم گذار با تاکید بر آیین سدره پوشی زرتشتیان یزد محمد صادق فرید^۱، مژگان یزدانی^۲

چکیده

آیین "سن تکلیف" در همه ادیان به صورت مشترک وجود دارد، هر کدام به شیوه‌ای خاص این مراسم را اجرا می‌کنند. در این پژوهش شناسایی نمادها، آشنایی با خصوصیات سدره و کشتی و خوان سدره پوشی، چگونگی کشتی بستن و نحوه اجرای مراسم بررسی شده است. مکان پژوهش دبیرستان دخترانه مارکار شهر یزد و جامعه مورد بررسی ۱۲ نفر از نوجوانان ۱۵-۷ ساله است که با روش مردم‌شناختی ژرفانگر توأم با مشاهده مشارکتی مستقیم، مصاحبه با مطلعین این دین، همراه با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. چارچوب‌های نظری، نمادگرایی و نظریه تفسیری کلیفورد گیرتز، کارکردگرایی مالینوفسکی است. نتایج پژوهش حاکی از آنست که آیین‌ها، باورها و اعتقادات دینی تاثیر شگرفی بر حالات روحی و روانی دارند و با برگزاری آیین‌ها و جشن‌ها که از پیشینیان رسیده است، آرامش روحی ناشی از دین‌پذیری و جامعه‌پذیری حاصل می‌شود. سدره پوشی در دین زرتشتی آیینی است که گذار از مرحله کودکی به نوجوانی محسوب می‌شود و عمل کردن به باورهای زرتشتی می‌آموزد و نیز نشان می‌دهد که نوزوت (Nozoot) در پیمودن راه راستی تنها نیست و دیگر زرتشتیان، اشوان و راستی جویان جهان نیز با او هم‌زور و همراهند.

واژگان کلیدی: سیره امیرالمومنین، نهج البلاغه، رسانه، روش، انسجام اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۰

^۱ دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

moh.farbod@iauctb.ac.ir

^۲ فوق لیسانس مردم‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی moyzdani1352@gmail.com

مقدمه

جریان زندگی همانند رودخانه‌ای است که از مبدا تا مقصد، از کنار سرزمین‌های مختلف و متنوعی می‌گذرد و سرانجام به دریا می‌پیوندد. نوجوانی یا بلوغ یکی از متنوع‌ترین و پیچیده‌ترین چشم‌اندازها را در این مسیر طولانی به خود اختصاص داده است. از گذشته‌های دور تاکنون در بین جوامع مختلف رفتارهای متفاوتی با این دوران از زندگی صورت گرفته است. در اقوام بدوی و فرهنگ‌های ابتدایی مرحله‌ای تحت عنوان بلوغ و جوانی وجود داشته و این دو مرحله ناشی از تغییرات بدنی تصور می‌شد. وقتی کودک از لحاظ تغییرات جسمانی کامل می‌شد و قدرت تولید مثل را پیدا می‌کرد، با جشن خاصی به بزرگسالان می‌پیوست و از او انتظار می‌رفت که مانند یک فرد بزرگسال رفتار کند.

جوانان پس از اجرای مراسمی خاص در جامعه بزرگسالان پذیرفته می‌شدند و کار مناسبی می‌یافتند. «به نظر می‌دگرگونی‌های جسمانی که در پسران و دختران رخ می‌دهد، دگرگونی‌های روانی نیز به همراه دارد. زیرا چنانچه بدن دختر از جثه یک کودک به جثه یک زن تغییر می‌کند، روح او نیز از این دگرگونی بی‌بهره نخواهد ماند و این دگرگونی‌های روانی هیجان‌انگیز است. در این دوره باید به نظر و عقیده آنها احترام گذاشته شود و آنان را در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داد. در سده‌های اخیر پدران، مادران و آموزگاران دوران کودکی و بلوغ را یک دوره بدیهی نمی‌پندارند بلکه می‌کشند شالوده آموزش و پرورش بر پایه نیازهای کودک باشد نه آنکه کودک را در یک قالب تربیتی محدود و غیر قابل انعطاف زیر فشار قرار دهند. انگیزه مریبان در این وظیفه‌نویین دو عامل است: یکی گسترش علم روانشناسی، و دیگری مشکلات و کم‌سازگاری‌های دوران جوانی. فلاسفه محافظه‌کار اجتماعی، همه بر آنند که باید برای دورانی که نوجوانی نامیده است راهی اندیشید و کاری انجام داد. دورنمای نسل جوان‌تر که از معیارها و سنت‌های گذشته واگراییده‌اند دیگر پایبند قیود خانوادگی و ارزش‌های مذهبی نیستند» (مید، ۱۳۶۵: ۳۳).

آیین سدره پوشی نزد زرتشتیان، سنتی دینی است که برخاسته از ایمان و اعتقاد چندین هزار ساله می‌باشد که در دل مردمان این سرزمین بزرگ بویژه زرتشتیان یعنی وارثان به جا مانده از فرهنگ و دین کهن ایرانی ریشه‌ای بس عمیق دوانده است. این آیین از گذشته‌های دور برای نوجوانانی که آمادگی پذیرش دین زرتشتی را اعلام می‌کردند، برگزار می‌شده است. آیین سدره پوشی به

منزله زایش نوین است و در گویش دری گجراتی NAVJOT نیز می گویند. از همین رو این آیین را "نوزاد" یا "نوزات" نیز می نامند. سدره و کشتی نگاهبان آدمی در برابر سختی های بیرونی می باشد که به عنوان نماد و نشان بیرونی زرتشتیان شناخته شده است. ویژگی فرهنگی و هویت ملی هر قومی با برگزاری جشن ها و رسوم ملی آن در طول تاریخ نمایان می گردیده است. آداب و رسوم به عنوان یک جزء و فرهنگ به عنوان یک کل، تاثیر متقابل بر یکدیگر داشته اند. هر آیینی فلسفه و منطق خاص خود را دارد. این مراسم در بسیاری از شهرهای زرتشتی نشین مانند یزد، تهران، کرمان، اصفهان، شیراز، زاهدان، اهواز و کشورهای هندوستان، آمریکا، کانادا و ... اجرا می شود. که در این قسمت به بررسی آیین سدره پوشی در استان یزد پرداخته شده است. از این روی، پژوهش حاضر مدخلی است تا با رویکردی مردم شناختی به آیین سدره پوشی در استان یزد که سابقه ای دیرینه دارد، پردازد. کوشش شده است تا در این پژوهش به پاسخ سوالات پژوهش دسترسی پیدا کنیم.

ادبیات پژوهش

"بلوغ" که یک گذار تلقی می شود، عبارت است از کلیه تغییرات بدنی و روحی که مابین کودکی و دوره کمال بوجود می آید. در این دوران تعادل جسمی و روحی کودک مختل می گردد، تغییرات جسمی عمیق بوجود می آید، قد و قامت تغییر می کند، نیروی طفل افزایش می یابد، شکل اعضاء بدن با سابق تفاوت پیدا می کند، اخلاق و رفتار ثبات خود را از دست می دهند، عادات کودکی، خود را کنار می کشند، طفل عروسک را کنار انداخته و امیال جدید در او بوجود می آید، منافع وی که تا آن وقت محدود به خانه و مدرسه بود تغییر یافته و معمولاً از حدود ۱۲ سالگی شروع و تا ۱۸ یا ۲۲ سالگی پایان می پذیرد و مدت این دوره بستگی به وضع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی دارد و بسته به جامعه، زمان و مسائل فوق این دوره کم و زیاد می شود.

«اصطلاح گذر یا گذار در واقع گذشتن و در آمدن از یک مرحله به مرحله ای دیگر از حیات زیستی و فرهنگی است، که با آیین ها و مراسم ویژه ای همراه می شود. این مناسک آداب و رسومی، مربوط به تغییر و تحول موقعیت اجتماعی و یا جنسی یک فرد هستند. این گذار، در لحظه های حساس زندگی انسان، ثبت و رسمی کردن گذر از یک موقعیت به موقعیت دیگر اجرا می شود و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت اند. تغییر موقعیت ها در قلمرو مسایلی نظیر: تولد، بلوغ،

۱۳۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

ازدواج، پدر و مادر شدن، پیشرفت‌های تحصیلی، تخصصی شدن شغل و مرگ و ... چنان در زندگی انسان‌ها مهم بوده‌اند که معمولاً با دعوت به تجمع، غذا دادن و جشن و یا آزمون‌های گوناگون و دشوار همراه شده‌اند. "گذار" بایسته‌هستی هدفمند است. زمان و زمانمندی، جایگاه، موقعیت و لزوم هر پدیده را مشخص و برآورد می‌کند و هر پدیده تبعات و عوارضی دارد که باید در زمان و موقعیت خاص با تمهیدی ویژه با آن روبرو شد و یا با پیش‌نگری، ناهمگنی، دژکنشی را که در کمین است، از میان برداشت.» (اسدیان ۱۳۸۴: ۱۲).

«گذار نزد ادیان مختلف متفاوت است. سن بلوغ نزد زرتشتیان پانزده سالگی است. هرچند کودک زرتشتی از همان اوان کودکی با آیین‌ها و مراسم ویژه آشنا می‌شود و در فرهنگ اجتماعی _ دینی خود می‌بالد، اما آیین و مراسم "سدره پوشی" و "کشتی‌بندان" _ پوشیدن پیراهن سفید و بستن کمربند آیینی _ و ورود و پذیرش به جامعه زرتشتی بین هفت تا پانزده سالگی انجام می‌گیرد.

جشن تکلیف در دین یهود برای پسران و دختران، بر میتسوا و بت میتسوا نام دارد. «بر میتسوا و بت میتسوا آیین یا مراسمی است که در طی آن پسران و دختران یهودی که بسن تکلیف رسیده‌اند آن را جشن می‌گیرند. بر طبق شرع یهود، زمانی که پسران یهودی به ۱۳ سالگی می‌رسند مکلف شده و بر میتسوا می‌شوند. در دین یهود دختران در سن ۱۲ سالگی به تکلیف می‌رسند. پیش از به تکلیف رسیدن بچه‌ها، پدر و مادر مسئول کارهای بچه‌ها می‌باشند.» (سلیمانی اردستانی ۱۳۸۵: ۱۱۶).

نخستین و اصلی‌ترین آیین که برای همه مسیحیان ضرورت دارد، تعمید است که دارای مناسک خاصی است. «انسان با تعمید به جامعه مسیحیت وارد می‌شود و رسالت دائمی کلیسا را بر عهده می‌گیرد. این رسالت عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات بخش خدا به وسیله عیسی. به عقیده هر مسیحی، تعمید وسیله‌ای است که خدا با آن همه آثار زندگی و مرگ عیسی را عطا می‌کند. هر مسیحی فقط یک بار، هنگام ورود به جامعه مسیحیت، تعمید می‌پذیرد. تعمید اصولاً با گونه‌ای از شستشو انجام می‌گیرد.» (میشل ۱۳۸۱: ۴۹) «نیمه دوم از سلوک و پیشرفت در زندگی مسیحی "تایید" نامیده می‌شود. در نیمه اول (تعمید) بر نجات از گناه تأکید می‌شود و طی آن، خدا با فرد گناهکار آشتی می‌کند و وی را به زندگی بر اساس ایمان و اطاعت فرا می‌خواند. ولی در نیمه دوم (تایید) بر جنبه مثبت ادای شهادت به آنچه خدا به وسیله‌ای عیسی برای بشریت محقق

ساخته است و نیز بر کمک خواستن از روح القدوس برای انجام این وظیفه تاکید می شود. در دین اسلام وقتی پسر یا دختر به سنّ معینی رسیدند و بالغ شدند، به آنان "مکلف" گفته می شود. کسی که به سنّ تکلیف می رسد، باید دستورهای دینی را انجام دهد و به واجبات عمل کند و از آنچه خداوند ممنوع ساخته (یعنی محرّمات) پرهیز کند. سن تکلیف برای دختران ۹ سالگی و برای پسران ۱۵ سالگی است.» (همان ۵۲)

کارکردهای مناسک گذار

۱. کارکردهای اجتماعی و فرهنگی: «آرنولد وان گنپ با گرد آوری داده هایی مربوط به غسل تعمیدها، نامزدی ها، بارداری، شروع دوره بلوغ، تدفین و برپا کردن جشن ها در تمامی مذاهب و تمامی دوره ها آنها را به صورت منظم به سه دوره تقسیم کرد که در اکثر این جشن ها این سه مرحله حضور دارند.» (فکوهی ۱۳۸۱:۱۵)

الف) مرحله گسست یا پیش گذار (مناسک جدایی): یعنی جدا شدن فرد از گروه و یا موقعیت پیشین خود، در فرآیند گسستن از گذشته، فرد جزئیات فرهنگ جامعه را برای باز تولید و ادامه شیوه زندگی می آموزد. جدایی از گذشته، مهمترین بخش مناسک گذار در هر مرحله از تکامل است. «مانند مناسک سوگواری، از مرحله تدفین تا یادبودهای متعدد از جمله: ختم، پرسه، شب هفت، چله و شب سال.» (طیبی ۱۳۷۱:۵۰)

ب) مرحله گذار (مناسک انتقال): پس از گسستن از وضعیت پیشین، فرد طی مراسمی سنگین و گاه طاقت فرسا که با توسل به نیروهای فوق طبیعی و نوعی ابهام، پیچیدگی های عاطفی و روانی شدید نیز همراه است، از پایگاه قبلی خود گذر کرده اما هنوز به مرحله جدید وارد نشده «مانند مراسم راز آموزی در دوران بلوغ. به عبارت دیگر مراسمی که نوجوان هنگام گذار از دوره کودکی به دوره جوانی یا از دوره زندگی فردی به زندگی جمعی منتقل می شود مانند کمر بستن نزد طوایف کرد اهل حق و ورود به جمخانه، یا کشتی بندان نزد زرتشتی ها و آداب مشرف شدن نزد صوفیه.» (همان ۵۱-۵۰)

ج) مرحله پیوستن و یا پسا گذار (مناسک الحاق): پس از عبور از مرحله دوم، فرد به پایگاه جدید اجتماعی اش پیوند می خورد، در واقع مرحله پیوستن معرف مرحله ای است که جوان دوره کودکی را پشت سر می گذارد و با قبول مسئولیت های ناشی از بلوغ تبدیل به یک فرد بالغ می شود.

«هرچند "ویکتور ترنر" این سه مرحله را در چهار مرحله معروف خودتیین می‌کند:

- مرحله گسست
- مرحله بحران
- مرحله جبران
- مرحله پیوند دوباره

که دو مرحله اول معادل همان مرحله گسست وان جنپ است.» (فکوهی ۱۳۸۱:۲۶۱)

«مناسک گذار در جامعه محل تولید مثل قانون و احکام عمل می‌کند و در روند زندگی یک فرد غالب می‌شود. موارد برای جامعه‌ای که آنها را تولید می‌کند، ارزش محسوب می‌شوند. مناسک گذار به فرد برای عبور از این مراحل که در واقع همان بحران‌های زندگی یا تکامل نامیده می‌شوند، کمک می‌کنند. تا در جامعه جای بگیرد و در مقابل دیگران جایگاه اجتماعی خاص خود را به دست آورد.

از دیگر کارکردهای مناسک گذار تقویت همبستگی گروهی است. آیین‌های گذار علاوه بر این که مراسم شادمانی، سوگواری و... هستند، موقعیتی برای گردهمایی افراد و کنش جمعی فراهم می‌آورند. این امر به تقویت روحیه جمعی می‌انجامد و به زندگی معنا می‌بخشد.» (بیتس ۱۳۷۵:۸۲)

۲. «کارکردهای روانی: مناسک گذار پختگی روحی و روانی به انسان می‌دهد و قدرت تشخیص مسائل و تمیز مصلحت زندگی را به او می‌بخشد که پس از گذراندن دوران سخت گذار در انسان ایجاد می‌شود و مسئولیت‌های اجتماعی نظیر تشکیل خانواده، پیدا کردن شغل مناسب و رویارویی با مشکلات پیچیده زندگی را دارا خواهد بود.

۳. کارکردهای دینی: دین نیرویی قوی در زندگی بشر است. انسان‌ها نیاز دارند که جهان را معنی‌دار و سامان‌مند ببینند. آن‌ها نمی‌توانند این نظر را تحمیل کنند که جهان اساساً هرج و مرج آمیز و مبتنی بر تصادف است. بنابراین فرد تازه بلوغ یافته با گذراندن آیین‌های گذار تا حدود زیادی از این سردرگمی‌ها بیرون می‌آید.» (ریاحی پور، مقاله، سایت Anthropology.ir)

چارچوب نظری

برای بررسی تحلیلی این پژوهش از رهیافت‌های زیر استفاده شده است:

۱. «رهیافت نمادگرایی: دسته ای از نظریات وجود دارند که بیانی نمادین از دین ارائه می دهند. «به نظر اندیشمندان این رویکرد، نماد دین عنصری است که معانی عمیق و متعددی را به صورت سربسته و متراکم در خود ذخیره می سازد به نحوی که جز از طریق رمز گشایی و تفسیر نمی توان به مفهوم و مقصود نهفته در کنه آن دست پیدا کرد. (نماد در این نظریه به اشیاء، مکان های مقدس، اعمال مناسکی و ... اشاره دارد).

۲. کلیفورد گیرتز یکی از دین پژوهان نمادگرا معتقد است که نمادهای دینی همانند اشیاء و مکان های مقدس، اعمال مناسکی و ... به فرد در نوع تفسیر معنای زندگی اش کمک می کند.» (شجاعی زند ۱۳۸۰: ۶۷)

۳. نظریه کارکردگرایی: مکتب کارکردگرایی مکتبی در پاسخ به مکتب تکامل گرایی و اشاعه گرایی است. نظریه کارکردگرایی که برای تشریح اوضاع فرهنگی در علوم اجتماعی ظهور یافت، دارای سابقه بس طولانی است. نظریه پردازانی که توانایی بکارگیری این نظریه را در زمین تحقیق داشتند، برانسیلاو مالینوفسکی و امیل دورکیم و راد کلیف براون بودند. «کارکردگرایی در لغت به معنای کار ویژه و نقش و وظیفه است. و نتایج حاصله و آثار عینی پدیده های اجتماعی را در بر می گیرد. مفهوم کارکرد، در مردم شناسی از طرفی نقش و وظیفه هر جزء است در مجموعه یا کل نظام و از طرفی دیگر باید دید این اجزاء چه همسازی هایی نیز با هم دارند زیرا برای تبیین یک پدیده فرهنگی ابتدا باید علت وجودی آن را پیدا کرد و سپس به بررسی کارکرد آن پرداخت. بنابراین به نظر کارکردگرایان، هر پدیده فرهنگی دارای کارکرد معینی است که به نحوی در دوام و اداره جامعه موثر می باشد.» (ستوده، رنجبر ۱۳۸۰: ۸۰)

«به طور کلی کارکردهای دین از دیدگاه دورکیم را هاری آلپر چنین برمی شمارد:

- دین برای نیروهای اجتماعی از طریق ضوابط نفس و تقوا، انضباط بخش است.
- از طریق مراسم و پیوندهایش، انسجام بخش است.
- انتقال دادن ارزشهای اجتماعی به نسل های بعدی حیاتبخش است.
- با امید و آرامش که الهام می بخشد و چشم اندازهای اخلاقی که از جهان نشان می دهد و معمای مرگ و احساس فقدان را حل می کند، خوشبختی بخش است. بنابراین از دیدگاه دورکیم فرد دیندار کسی است که از توانایی عملی و مناسکی بیشتری برخوردار است و قدرت بیشتری را برای تحمل سختی های زندگی و نیز فائق آمدن بر آنها از طریق کسب تقوا و انضباط، ابراز پیوند با

دیگر پیروان (انسجام)، جامعه‌پذیری دینی و ایجاد آرامش، امید و احساس خوشبختی را تجربه می‌کند.» (توسلی، ۱۳۸۰: ۵۹).

«مالینوفسکی نیز به پیروی از دورکیم، دین و جادو را به قلمرو امور مقدس متعلق می‌داند و ریشه آن را در فشارهای زندگی و کنش‌های عاطفی جستجو می‌کند که دین و جادو می‌بایست انسان‌ها را از شر آنها رها سازند. بنابراین از نظر وی هم جادو و هم دین اساساً خصلتی تخلیه‌کننده دارند. وی در توضیح ریشه دین و جادو معتقد است که هر گاه انسانها در تعقیب اهداف خود سرخورده می‌شوند به منظور تقلیل سطح اضطراب و هراس خود به دین و جادو روی می‌آورند و جالب توجه است که بدانیم مناسک دینی زمانی انجام می‌گیرند که از علم و دانش انسان‌کاری برنمی‌آید. (همیلتون، ۱۳۷۷: ۵۱) «به نظر براون، مناسک، باورداشت‌ها، دلیل تراشی‌ها و توجیه‌های مناسک اند و می‌توان گفت که: "مناسک بیان نمادین و تنظیم شده برخی احساسات اند. پس می‌توان نشان داد که مناسک کارکردهای اجتماعی خاصی دارند که ضمن تنظیم و حفظ احساساتی که بنای ساختمان جامعه را تشکیل می‌دهند، آن را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند."» (همان)

۴. انسان‌شناسی تفسیری: به طور کلی نظریه پردازان آن در تلاشند تا بگویند فرهنگ را نمی‌توان مستقیم و بدون واسطه شناخت چون فرهنگ مجموعه‌ای از معانی است و دستیابی به این معانی از خلال نمادها و نشانه‌ها درک و تفسیر می‌شود. چهره‌های بارز انسان‌شناسی نمادین عبارتند از: کلیفورد گیرتز، ویکتور ترنر، دیوید اشنایدرو مری داگلاس. «انسان‌شناسی نمادین بر آن است که نمادها به تنهایی دارای معانی مستقلی هستند که به همین صورت نیز تاثیرگذاری می‌کنند و در زمان قرار گرفتن در مجموعه‌های ساختاری بزرگ‌تر نیز شکل منفعل نداشته، بلکه در آن مجموعه نیز تاثیرگذاری می‌کنند.» (جعفری بائی، ۱۳۸۹: ۴۹)

روش‌شناسی

اساسی‌ترین روش‌های پژوهش در مردم‌شناسی عبارتند از: مشاهده، مشاهده مشارکت آمیز، مصاحبه با مطلعین محلی، استفاده از پرسش‌نامه، آزمون‌های روان‌شناختی اجتماعی، سرگذشت پژوهی، مطالعه اسنادی و بررسی‌های موردی. اما از آنجا که محقق انسان‌شناسی، طیف وسیعی از مسائل را بررسی می‌کند، باید در هر تحقیق میدانی فنون و روش‌هایی را به کارگیرد که با

بررسی مردم شناختی مراسم گذار با تاکید بر آیین.....۱۳۵

نیازهای صحنه فرهنگی مورد مطالعه مطابقت داشته باشند و در این راستا از ساختن و پرداختن روندهای جدید تحقیق برای تکمیل کار خود بهره گیرند.

"روش ترکیبی" یکی از اشکال روشهای نوپدید مشاهده است که منظور از آن در پژوهش های مردم شناسی، استفاده از چند روش مناسب با موضوع پژوهش می باشد. (ژپلتو، ۱۳۷۵: ۲۰۹)

با توجه به این توضیحات روش اساسی این پژوهش از حیث ماهیت یک "روش ترکیبی" می باشد. دلیل اصلی اتخاذ "روش ترکیبی" همانگونه که (پرتی، ژپلتو) نیز ذکر می کند: "تکمیل روش ها با یکدیگر و رفع نقایص و کاستی های روش ها و تکنیک ها با استفاده از چند روش و چند ابزار می باشد. "روش ترکیبی پژوهش حاضر شامل این روش ها است: ۱- روش ژرفانگر ۲- مشاهده مستقیم ۳- مصاحبه با مطلعین ۴- مطالعه اسنادی و کتابخانه ای. در این پژوهش همچون سایر پژوهش های مردم شناختی سعی شده است از روش های متداول در این رشته استفاده شود. پژوهش در این رشته در وهله اول متکی به روش میدانی است. برای مثال پژوهشگر در تاریخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۲ ساعت ۵ پسین با "موبد سهراب هنگامی" در آتشکده بزرگ زرتشتیان تهران درباره وسایل سفره سدره پوشی و نمادهای هر یک از آن وسایل مصاحبه ای داشته است که شامل:

عناصر نمادین در سفره سدره پوشی و کارکرد های آن

- ✓ گل و برگ سبز: نماد سرسبزی و طبیعت و عطر و بوی خوش است.
- ✓ قرار دادن برگ های درخت سرو و شمشاد در درون سفره: برگ های درخت سرو و شمشاد نشان طولانی بودن عمر این درخت و پایداری و جاودانگی آن در تمام فصول سال است و پیوند انسان با طبیعت را تداعی می کند.
- ✓ ظرفی از مخلوط برنج و آویشن: آویشن نشانه سبزی و عطر خوش است و برنج نماد روزی و برکت است.
- ✓ شربت گلاب: گلاب عصاره گل و معطر است، بوی طراوت و زندگی می دهد و شربت روشنی و شیرین کامی را در دل خود دارد.
- ✓ نقل سفید: نمادی از شیرین کامی و سفیدی آن نماد پاکی است و نمادی از زایش، تولد، بالندگی و برکت دارد.
- ✓ کله قند با پوششی به رنگ سبز: قند نشانه شیرینی و شیرین کامی مراسم است و پوشش سبز آن نشانه سبز بختی و زندگی است.

۱۳۶..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

- ✓ آینه زرتشت: آینه نماد روشنایی است و حتما باید بالای سفره جای گیرد. عکس زرتشت به معنای نگهبان این سفره و اطاعت از دستورات دینی اوست.
- ✓ کاسه آب و آویشن که درون آن سکه می اندازند: آب نشانه روشنایی است که سبزی و برکت و رزق و روزی را در خود جای می دهد.
- ✓ کتاب اوستا: که سروده اشوزرتشت است راهنمای نیکی و درستی در این مراسم است که باید سرلوحه زندگانی خود قرار دهیم.
- ✓ فرزندان در کنار این سفره و این نمادها لباس مقدس و پاک دین زرتشت را به تن می کنند و عهد می بندند که یک زرتشتی واقعی و کامل باشند و فرامین این دین را به خوبی و کامل اجرا کنند و در برابر آیین های این دین مسئول باشند.
- ✓ لرک: در سینی بزرگی تمام میوه هایی که در همه فصول وجود دارد را در آن می چینند. مثلا اگر این مراسم در پاییز انجام گیرد چون بعضی از میوه ها مانند زردآلو یا آلو یا هلو وجود ندارند از خشک شده آنها در این مراسم استفاده می شود.
- ✓ کارکرد و نماد میوه های درون سینی لرک
- ✓ گردو و بادام: نماد طولانی بودن عمر است، چون طول عمر درخت گردو و بادام طولانی است.
- ✓ پسته: نشان از خندان بودن و شادی است.
- ✓ سنجد: نماد حیات و زندگی است.
- ✓ قیصی (برگه زردآلو): رنگ زرد این میوه نماد نور خورشید و گرما است.
- ✓ نارگیل: جزو میوه های مقوی الهی است.
- ✓ لرک در مجموع به معنای میوه و آجیل مشکل گشاست که در مراسم مختلف جهت رفع گرفتاری و مشکل به عنوان نشانه شیرین کامی از آن استفاده می شود.» (هنگامی، موبد سهراب، ۱۳۹۴/۰۸/۱۲، آتشکده زرتشتیان تهران، مصاحبه ساعت ۱۷)

تعریف مفاهیم

الف) سدره: واژه سدره (Sedreh) در فرهنگ معین پیراهن سفید بی آستین است که زرتشتیان زیر لباس می پوشند. (معین، ۱۳۶۳: ۴۵۲۵)

بررسی مردم شناختی مراسم گذار با تاکید بر آیین.....۱۳۷

ب) کشتی: واژه کشتی (Koshti) در فرهنگ معین به معنای زنار، کمر بند می باشد (معین، ۱۳۶۳:۷۳۰۲)

ج) آیین تشریف: «تشریف، مجموعه ای از اعمال و مناسک و آیین های نمادین رایج در جوامع، بویژه جوامع آیین گرای سنتی است که با گذار انسان از مرحله ای از حیات جسمانی، یافرنگی و اجتماعی به مرحله ای دیگر همراه است.» (آریان پور ۱۳۵۷:۱۷۸)

د) گذار: «آداب و مناسکی است، کمابیش مذهبی، تقریباً در تمامی جوامع، که به هنگام وقوع حادثه ای بزرگ در زندگی مانند: تولد، نام گذاری، بلوغ، ازدواج، بهبودی از بیماری، مرگ و یا گذار از پایگاهی به پایگاه اجتماعی دیگر به کار می رود. به عبارت دیگر این اصطلاح، مراحل را که فرد از دوره ای به دوره دیگر از زندگی فردی و اجتماعی خود با انجام آداب و مناسک ویژه می گذرد را در بر می گیرد.» (تی شفر، ۱۳۹۱:۸۳۶۸)

ه) بلوغ: «بلوغ دگرگونی های جسمانی و جنسی و به همراه آن تحولات روانی است. با این دگرگونی ها، انسان از دوران کودکی به دوره دیگری از حیات اجتماعی و فرهنگی خود، یعنی نوجوانی گام می نهد و وظایف و تکالیفی را پذیرا می شود، یا به او محول می گردد. او در این زمان، خویشتن را در عرصه های زیستی و اجتماعی به گونه ای متفاوت درمی یابد و در جامعه به عنوان عنصری ویژه پذیرفته می شود.» (دهمخدا، ۱۳۷۷:۳۰۸۲)

یافته های پژوهش

نحوه اجرای مراسم سدره پوشی

فرزند بین ۱۵-۷ سالگی پس از یادگیری تعلیمات دینی و اوستاهای بایسته، والدین او، روزی را برای برگزاری مراسم سدره پوشی معین و خویشاوندان و دوستان خود را برای شرکت در این مراسم دعوت می کنند. در این روز ابتدا در وسط سالن یا اتاقی که قرار است این مراسم برگزار شود، سفره بزرگی پهن کرده و در چهار گوشه آن چهار چراغ یا شمع روشن مینمایند. در میان سفره نیز یک مجمر آتش، یک ظرف پر از لوبان، چوب صندل، عود و سایر گیاهان خوش بو، یک سینی پر از میوه جات خشک شامل پسته، بادام، گردو، قیسی، سنجد، برگه زردآلو و نارگیل که مقداری نقل و شیرینی روی آن پاشیده شده و زرتشتیان آن را لرک می گویند و مقداری گل و سبزه در گلدان و کمی آویشن و برنج مخلوط با سنجد و شیرینی در یک ظرف قرار می دهند. وقتی تمام اینها در سفره گذاشته شد و میهمان ها دور سفره نشستند مراسم اصلی شروع می شود.

پسر یا دختری که باید سدره پوش شود پس از استحمام و پوشیدن سدره و در یک طرف سفره به گونه‌ای که رویش به طرف خورشید باشد، می‌نشیند. موبد در طرف دیگر سفره و روبروی نوجوان قرار گرفته و مراسم را با سرودن اورمزدیشت آغاز می‌کند. پس از پایان یافتن قرائت اورمزدیشت موبد به طرف دیگر سفره رفته و پشت سر نوجوان می‌ایستد و کشتی به کمرش بسته می‌شود. سپس نوجوان آستین‌های موبد را از هر دو طرف در دست گرفته و با او هم پیوند می‌شود. هنگامی که عمل بستن کشتی تمام شد نوجوان به جای خود می‌نشیند و موبد به جای اول خود برگشته و روبروی او ایستاده و اوستای تندرستی را به نام نوجوان می‌سراید و در حال سرودن آویشن و برنج و شیرینی مخلوط را به تدریج به سر او می‌ریزد. پس از پایان یافتن قسمت مذهبی سدره پوشی، والدین و دوستان و خویشان ضمن عرض شادباش، هدایای خود را تقدیم می‌کنند و سپس از میهمانان پذیرایی می‌شود که تقسیم لرک بین حاضرین نیز شامل می‌شود. البته یادآور می‌شویم این سفره می‌تواند بر روی زمین یا بر روی میز چیده شود.

ویژگی سدره و کشتی

۱. سدره: «سدره» (sedre) که نام اوستایی آن "وهُ مَنو وَستَر" (Vohu manu vastra) می‌باشد به معنای پوشش یا جامه و هومنی (نیک‌اندیشی) است. سدره پیراهنی است گشاد با آستینی کوتاه و بدون یقه که از ۹ قسمت (۶ تکه پارچه و ۳ درز) دوخته می‌شود و در گذشته از جنس پشم، پنبه و یا ابریشم بوده است اما در حال حاضر سدره معمولاً از پارچه پنبه‌ای و ململ تهیه می‌شود. این پارچه سفید رنگ است که نماد پاکی است و دارای دو کیسه دوخته شده کوچک بر روی آن، یکی در جلوی سینه و نزدیک قلب که گریبان (Gariban) یا کرفه (Kerfe) خوانده می‌شود که به عقیده زرتشتیان مومن گنجینه هومت (Homat)، هوخت (Hookht) و هورشت (Havaresht) است یعنی سه اصل بزرگ آیین زرتشتی، اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک که فرد زرتشتی باید بکوشد تا این سه صفت را در خود پرورش دهد و یادآور آن است که همه کردارهای نیک انسان روی هم انباشته شده و او را به شادی و خوشبختی می‌رساند و کیسه دیگر که در پشت قرار دارد گرده (Gorde) خوانده می‌شود و نشانگر خویشکاری یک بهدین در کار و تلاش برای نو کردن همیشگی جهان و پیشبرد نیکی در گیتی است. زرتشتیان سدره را در زیر لباس‌های خود می‌پوشند. به عقیده زرتشتیان سدره جامه ستایش و بندگی اهورامزدا و به منزله زره و جوشنی است که پوشنده را از شر تمایلات نفسانی و صفات رذلیه حفظ کند. سفیدی سدره

نشانی از آن است که فرد زرتشتی باید قلب و روح خود را مانند آن سفید و بی آرایش نگه دارد و از اعمال ناشایست دوری گزینند. با پوشیدن این جامه ساده، سفید و پاک، انسان همانند و هم‌رنگ آن می‌گردد. هم رنگ دیگر زرتشتیان می‌شود. سپیدی، خود آمیختگی رنگ های دیگر است بدین معنا که رنگارنگی زیبای باشنده در گیتی در یگانگی سپید با هم آمیخته می‌شوند. سدره، پوشش مناسبی است برای بستن کشتی بر روی آن.» (آذرگشسب ۱۳۸۴:۲۵۸)

۲. کشتی: «کشتی» (Koshti) که نام اوستایی آن "اَنوِیا اَنگهن" (Aevya anghen) می‌باشد، معنای کمر بند را می‌رساند. بندی است باریک و بلند که از ۷۲ نخ از پشم گوسفند به دست زن موبد بافته می‌شود. این ۷۲ نخ را هنگام بافتن به ۶ قسمت که هر یک دارای ۱۲ رشته است تقسیم می‌کنند و به هم می‌بافند. عدد ۷۲ کنایه از ۷۲ فصل یسنا که پراج ترین بخش اوستا است و گاتاها را درون خود دارد، می‌باشد. عدد ۱۲ اشاره به ۱۲ ماه سال و عدد ۶ اشاره به ۶ گهنبار یا دوره های نمادین آفرینش و پیدایش هستی دارد. زمانی که عمل بافتن کشتی تمام شد، گره هایی به دو سر کشتی زده می‌شود. زرتشتیان کشتی را سه دور بر روی سدره به دور کمر می‌بندند در دور اول بدون گره و در دور دوم دو گره به جلو و در دور سوم دو گره از پشت سر به کشتی می‌زنند. در عهد باستان کشتی از پشم گوسفند و موی بز و شتر و حتی از پنبه بافته می‌شد. کشتی، بند بندگی اهورامزداست و افراد زرتشتی از زن و مرد و کوچک و بزرگ و وظیفه دارند همواره و در هر حال آن را به کمر خود ببندند و از خود دور نکنند. زمانی که افراد استحمام می‌کنند و یا موقع شنا و زنان در هنگام عادت ماهیانه می‌توانند کشتی را از کمر خود باز کنند. کشتی بستن نشانه پیوند و پیمان بهدین با خویشتن خویش و دیگر نیکان و وهان گیتی و هرآن چه در آن است (طبیعت یا آخشیح ها) و سرانجام با اهورامزدا می‌باشد. با پوشیدن سدره، بهدین جامه خدمت دین را به بر می‌کند و با بستن کشتی کمر خدمت به میان می‌بندد تا جهانی آباد، آزاد و بدور از جنگ، ناداری و ... بسازد. نام ورزش کُشتی نیز از همین جا مایه گرفته است که در مفهوم گرفتن کمر یکدیگر و زور آزمایی بوده است. در ادبیات پارسی واژه "زنار" نیز برای کشتی زرتشتیان و بندی که عیسویان بر میان می‌بندند آمده است.

در تیریشست کرده ۶ بندهای ۴ و ۵ آمده:

"ای زرتشت اسپتتمان، با چشمان درخشان، بلند بالا و بسیار نیرومند، توانا و چالاک در فروغ پرواز کند به سنی که مرد برای نخستین بار کشتی ببندد و برای نخستین بار نیرو گیرد و برای نخستین بار به بلوغ رسد." (همان ۲۶۴)

چگونگی کشتی بستن و فلسفه آن

دکتر موبد محراب وحیدی^۱ در زمینه چگونگی کشتی بستن می‌گوید: «کشتی، در هنگام اجرای آیین، سه بار به دور میان می‌گردد و چهار بار گره می‌خورد، دو گره نخست در پیش رو و دو گره پایانی در پشت. عدد سه، همیشه نماد اندیشه، گفتار و کردار نیک است؛ ابزاری که با آن می‌توان فروهر درون را پالاند و گسترد و پرورش داد که تنها راه پیوستن به جهان و جهان آفرین است. عدد چهار، در فرهنگ ایران دست کم نماد دو چیز است: الف- چهار آخشیح: عنصر بنیادین هستی، آب، هوا، زمین و آتش. ب- چهار نیروی درونی انسان: که در فرهنگ ایران و بسته به زمان با نام‌های گوناگون از آنها یاد شده است: وهمن و ماه و گوش و رام - خرد (تمیز دهنده و پیوند دهنده) و دین (چشم بینا در تاریکی) و جان و روان (آگاه بود) بر این پایه مفهوم و آرش از زدن چهار گره آن است که همه آخشیح‌ها و نیروهای به هم آورنده انسان به هم پیوند می‌خورند و در هم آمیخته می‌شوند تا او را از درون به هماهنگی و آرامش لازم رساننده (سپنتا آرمیتی) و راه شادی دیرپا و پیشرفت همیشگی (هورواتات آمرتات) را برایش هموار سازند.

طریقه بستن کشتی

- ۱- ابتدا وسط کشتی را انتخاب کرده و انگشت میانی دست چپ را داخل آن قرار داده و دو سر آن را به هر دست می‌گیریم.
- ۲- سپس انگشت میانی دست چپ را در میان دو لایه کشتی گذاشته سپس این سر بسته را که اکنون در دست چپ قرار دارد به سوی بالا برده و سر دیگر (راست) را آزاد رها می‌کنیم.
- ۳- با دست راست کشتی را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم.
- ۴- نحوه گذاشتن انگشت میانی دست در میان کشتی.
- ۵- اکنون انگشت میانی دست راست را، در حالی که کف دست راست را در برابر کف دست چپ گذاشته ایم، به میان دو لایه کشتی برده و آن را به سوی بیرون (سر آزاد دست راست) می‌آوریم تا جایی که کمابیش ۱۰ تا ۲۰ سانتی متر به پایان آن مانده باشد.
- ۶- بدین گونه کشتی را به دو نیمه برابر بخش کرده و آن را در دست داریم.

۷- چگونگی نگاه داشتن دست ها در هنگام آغاز نیایش باید بدین گونه باشد.

آغاز نیایش

بخشی از نیایش ها یی که در هنگام بستن کشتی بر روی سدره خوانده می شود به قرار زیر است.

خُشَنوُتَر. اهورَو. مَزداو	به خوشنودی اهورامزدا
هومت. هوخت. هورشت. یزمتیبه	اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک را می ستایم
مَنشی و گوشنی و گیشنی، تنی و روانی، گیتی و مینو، اَرشِ هَمه گونه وناهی	از هر دروغ و ناشایستی که از اندیشه و گفتار و کردار من، از تن و روان من و
اواخش و پشیمان، په پیت هم.	در گیتی و مینوی من سر زده، پشیمانم و باز می گردم.
شکسته باد اهریمن (۳ بار)	شکسته باد دروغ و بداندیشی. (۳ بار)
رَژشیا. چِستیا. مَزده داتیا. اَشنوُتیا. دَئیاو. ونگهویا. ماژدَیسنوایش	من اکنون بر این باورم که راست ترین دانش مزدا داده دین نیک و پاک زرتشتی است.

جمله آخر تنها در هنگام آیین سدره پوشی بر زبان آورده می شود و بدان معناست است که گرونده از هر آنچه تا کنون در زندگی از او سرزده که زیان بار بوده و از کنش بداندیشی ناخرسند می باشد، ابراز پشیمانی می کند و می خواهد که از اینگونه اندیشه، گفتار و کردار دور شده و دیگر به راه راستی برود. سپس نیز خواستار شکست و دورافکندن دروغ و بداندیشی می شود.

این بدان آرش (معنا) نیست که از انسان (که همواره در کار فراگیری از زندگی است) دیگر هرگز کاری سر نخواهد زد که وجدان آگاه او از ناشایسته بودنش آگاه نباشد. اگر چنین شد و بهدین خواست که در هنگام نیایش، از آن کنش در پیش وجدان آگاه خود یاد کرده و با پذیرش کامل آن، از آن ابراز پشیمانی کند و دوری بجوید، می تواند به نمونه یک ابزار، از این بخش دوباره بهره گیرد. تنها ابراز کلامی از پذیرش و پشیمانی بسنده نیست و اگر در پی کنش ما زبانی به چیزی یا کسی رسیده است بایست که آن را به شیوه خردمندانه جبران نمایم.

آت. و. سَنوُتا. اَنوجانی. مَزدا. اَنگهاجا.	ای خداوند خرد، من ستایشگر تو بوده و تا زمانی که مرا تاب و توان است.
یوت. اَشا. تَواج. ایسانی جا.	به راه راستی خواهم رفت و ستایشگر تو خواهم ماند.
داتا. اَنگه اوش. اَرَدَت. وُهو. مَنگها.	و کارهای خود را بر پایه منش نیک و آیین زندگانی انجام خواهم داد.
هیی تیا. وَرَشْتام. هیت. و سنا. فَرَشوُتیم.	که جهان را همواره تازه می کنند و پیشرفت می دهند.
سَنومی. اَشم. وُهو. وهیشتم. اَستی... اوشنا. اَستی...	می ستایم راستی را. راستی بهترین نیکی است. خرسندی است.
اوشنا. اَهمانی. هیت. اَشایی. وهیشتانی. اَشم...	خرسندی برای کسی است که راستی را برای بهترین راستی بخواند.

طریقه گرفتن کشتی در دست

۱- میان کشتی که روی انگشت میان دست چپ جا دارد.

۲- کشتی را با دو دست می گیریم.

۱۴۲.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

۳- کشتی را بر لبان گذاشته، بر پیوند و پیمان خود بوسه ای می‌زنیم، آن را بالا برده، بر چشمان نیز می‌زنیم و سپس دو سر آزاد کشتی را رها کرده و میان را بر روی شکم می‌گذاریم.

۴- کشتی را از دو سو کشیده و به پشت می‌بریم.

۵- کشتی را به پیش می‌آوریم. گره دوم را در دست چپ و از بالا به پایین و به ترتیب اشکال فوق می‌زنیم. سپس کشتی به پشت می‌رود و برای گره‌های پشت آماده می‌شویم.

اکنون گره‌های پشت را می‌زنیم. یک بار اشم و هو را خوانده و پس از رسیدن به "اوشتا استی" برابر با "خرسندی است" گره نخست را، از راست و با گفتن "اوشتا اهمایی" برابر با "خرسندی برای" گره دوم را، از چپ می‌زنیم. (۱۱-۱۲)

اَشِم . وُهو . وِهیشْتِم . اَسْتی . . . اوشْتا . اَسْتی . . . اوشْتا . اَهْمائی . هِیت . اَشایی . . .

می‌ستایم راستی را . راستی بهترین نیکی است . خرسندی است .

خرسندی برای کسی که راستی را برای بهترین راستی بخواند. گره دوم را دست چپ و از بالا به پایین به ترتیب اشکال فوق می‌زنیم. (۱۳-۱۶)

اگر از درازای کشتی چیزی بازمانده باشد آن را در کشتی دور کمر می‌تابانیم تا آویزان نماند.

اکنون گره‌ها زده شده‌اند و هنگام سرودن فرورانه است. انگشتان شست دو دست را مطابق شکل فوق، بر روی کمر، در زیر کشتی برده و باقی انگشتان را بر روی آنها می‌گذاریم.

اکنون گره‌ها زده شده‌اند و هنگام سرودن فرورانه مطابق زیر است.

مژد پُرسْتَم .	مژدا پرسْتَم .
مژد پُرسْتَم . زَرْتوشْتَریش . فُروانِه . اَسْتوتَسْجَا . فُروَرْتَسْجَا	برمی‌گزینم که مژدا پرست زرتشتی باشم، با ستایش‌ها و باورها.
اَسْتویه . هَوِیتِم . مَنوُ .	اندیشه نیک را می‌ستایم.
اَسْتویه . هَوِخْتِم . وُچوُ .	گفتار نیک را می‌ستایم.
اَسْتویه . هَوِزْتِم . شُیوَتِم .	کردار نیک را می‌ستایم.
اَسْتویه . دَنام . وَنگوهِیم . ماژدَسِنِیم	دین بهی‌مژداپرستی را می‌ستایم.
فُرسَپاتِیوُ . خِذْرام . نِیْداسِنِی . تِشِیم . خِیت وِکْتام . اَشْتوَتِیم	که آزادی و آزادگی می‌بخشد، جنگ افرار را کنار می‌نهد، و انسان را با خویشتن و سامان جهان زنده یگانه می‌سازد.
باهایی . تینامجا . بوشْ پِه تین . تینامجا .	که (برای من) از دین‌هایی که هستند و خواهند بود برترین و بهترین و زیباترین است. که اهورایی است و زرتشتی.
مژد پُرسْتَم . وِهیشْتَم . سَرِشْتاچَا . یا . آهَوِئِرِیش . زَرْتوشْتَرِیش	اهورامزدا، خدای دانا را، بنیان همه نیکی‌ها می‌دانم. این است ستایش دین مژداپرستی.
اَهورائی . مژدائی . ویسپا . وُهو . چِئَهْمی	به یاری من بیا ای اهورامزدا. (۳ بار)
اَشْتا . اَسْتی . دَئِیاو . ماژدَسِنوَتِیش . اَسْتو اِپِیش	راستی بهترین نیکی است. خرسندی است. خرسندی برای کسی است که راستی را برای بهترین راستی بخواند.
جَس . م . اَوَنگَه . مژدا . . . (۳ بار خواندن)	
اشم و هو (۱)	

خواندن سرودن "همازور بیم"

اکنون نوبت سرودن "همازور بیم" یا سرود یگانگی است. در این هنگام برگزارکننده و نوزود دستان یکدیگر را گرفته و با هم آوایی سرود همازوری سر می دهند.

هما زور بیم . هما زورِ هما اشو بیم	بشود که همگی هم پیوند باشیم. با همه اشوان و نیکان هم پیوند باشیم.
هما زورِ ویش کرفه بیم . هم کرفه ی کرفه کاران بیم	در انجام دادن کار نیک هم پیوند باشیم. با نیکوکاران در کردن کار نیک همگام باشیم.
دور از وتاه و وتاه کاران بیم. هم کرفه ی بسته کشتیان و نیکان و وتاهان هفت کشور زمین بیم.	از کارهای ناپسند و نادرست دوری جویم و با همه بسته کشتیان (زرتشتیان) و خویان همه سرزمین ها همگام باشیم.
بسر گذر چنود پل. بزرگ و سبک و خرم و شاد و آسان مان ودوارنی یا دادار اورمزد.	در هنگام گذر از پل بزرگ چنود ما را به سبکی، خرمی، شادی و آسانی گذر بده، ای اورمزد بخشاینده.
او آنه فثوم اخوان اشوان. روشن گروثمان هماخاره مان اوررساد یا دادار اورمزد.	به آن بهترین هستی های پاک روشن گروسمان به خرمی همیشگی ما را برسان، ای اورمزد بخشاینده.
اشم وهو (۱)	راستی بهترین نیکی است. خرسندی است. خرسندی برای کسی است که راستی را برای بهترین راستی بخواهد.

و با خواندن چند جمله زیر نیایش را به پایان می بریم :

پیروز باد خرویه آویژه وهدین مازدیسنان (۳)

پیروز باد دین نیک و با شکوه مزدیسنی اشم وهو (۱)

په اورمزد و امشاسپندان کامه باد ...

ایدون باد . ایدون ترج باد.

اشم وهو (۱)

اکنون نوزود در جای خود می ایستد یا می نشیند و برگزارکننده با خواندن مانترای تندرستی برای

او آرزوی تندرستی، شادی و زندگانی خوب و پر بار می نماید.

شایسته ترین شادباش های ما ارمغان باد به همگی گروندگان به دین بهی زرتشتی و بازگشتگان به

خویشتن خویش. بی گمان گزینش چنین راهی، که همانا راه راستی و درستی می باشد به

خشنودی و آرامش خواهد انجامید و رسایی و جاودانگی و خوشباشی همیشگی را در پیش خواهد

داشت.

کسی که در پرتو خرد افزاینده وبا دلی پاک

اندیشه و گفتار و کردارش نیک

و با راستی و درستی هماهنگ باشد

مزدا اهورا با توانایی و مهر خویش
به او رسایی و جاودانگی ارزانی می‌دارد
گاتاها، سرود دوازده (یسنا ۴۷)

نو کردن کشتی

هر فرد زرتشتی بایستی در هر شبانه روز پنج بار در پنج گاه کشتی خود را با خواندن اوستاهای بایسته نو کند. برای نو کردن کشتی اوستای "سروش واج" را خوانده و هنگامی که جمله "نمسیچا یا آرمه ئی تیش ایژاچا" بمعنای (نماز به فروتنی و غیرت ایمان می‌خوانم) را سه بار تکرار می‌کند و پس از آن بایستی دو بار "یتا اهو وئیریو" بمعنای (همانطور که سرور هستی برگزیده است) بخواند که با خواندن آن گره‌های بسته کشتی را باز می‌کند. در این هنگام با انگشت میانی دست چپ، کشتی را از میان به دو قسمت مساوی تقسیم و در دستان نگه می‌دارد و با انگشت وسط دست راست انتهای آزاد دیگر را که دو سر کشتی میباشد نگه داشته و خود را آماده اجرای اوستای کشتی افزون که قبلا به تفصیل توضیح داده شده است می‌نماید. (وحیدی، موبد محراب، ۱۳۹۴/۰۸/۰۸، آتشکده زرتشتیان تهران، مصاحبه ساعت ۶ پسین)

آیین‌ها و انجام مراسم آن یکی از تبلورات فرهنگی در جامعه است و اهرمی قوی برای انسجام و وحدت می‌باشد. انجام این آیین‌ها کارکردهای پنهان و آشکار زیادی در درون خود دارند که با انجام آنها کارکردهای دینی، اجتماعی، فرهنگی، روانی، اقتصادی و سیاسی عینیت یافته و به کل جامعه و افراد برمی‌گردد. با انجام مراسمی که بصورت گروهی و جمعی انجام گیرد، علاوه بر ایجاد وحدت و انسجام بین افراد، الزام حضور در این مراسم باعث از بین رفتن بسیاری از کدورت‌ها در بین افراد می‌شود. بروز احساس آرامش و امنیت روانی در این مراسم در بین افراد حاضر بسیار موج می‌زند. انجام آیین‌ها بخصوص اگر به صورت دسته جمعی اجرا شوند، ابزارهایی هستند که جامعه از طریق آنها همبستگی خود را تقویت می‌کند. دین از دیدگاه دورکیم برای نیروهای اجتماعی از طریق ضوابط نفس و تقوا، انضباط بخش است و از طریق مراسم و پیوندهایش، انسجام بخش و انتقال دادن ارزشهای اجتماعی به نسل‌های بعدی حیاتبخش است.

بنابراین از دیدگاه دورکیم فرد دیندار کسی است که از توانایی عملی و مناسکی بیشتری برخوردار است و قدرت بیشتری را برای تحمل سختی‌های زندگی و نیز فائق آمدن بر آنها از طریق کسب تقوا و انضباط، ابراز پیوند با دیگر پیروان (انسجام)، جامعه‌پذیری دینی و ایجاد آرامش، امید و

احساس خوشبختی را تجربه می کنند برگزاری مراسم و آیین ها اشیاء و لوازم و ابزارهای مربوط به مراسم شکل نمادین به خود می گیرند و اهمیت پیدا می کنند و حکم یادآوری و تداعی کننده آن مراسم خاص می شوند و جنبه تعهد و احترام را بخود می گیرند. کلیفوردرگیری یکی از دین پژوهان نمادگرا معتقد است که نمادهای دینی همانند اشیاء و مکان های مقدس، اعمال مناسکی و ... به فرد در نوع تفسیر معنای زندگی اش کمک می کند. انجام مراسم نیز باعث ادامه حیات یک جامعه و افراد گروه می شود. در زمان انجام این مراسم کارکردهای زیادی به ظهور و بروز می رسند از جمله: کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی است. انجام مراسم سدره پوشی نوجوانان در دین زرتشت یکی از مراسم باشکوه است که هر فرد زرتشتی بالغ در طول دوران زندگی خود آن را انجام داده است. این مراسم گاهی به صورت شخصی و بیشتر اوقات به صورت همگانی اجرا می شود و افراد در کنار یکدیگر قرار گرفته و طی مراسمی زرتشتی شدن یکی از اعضای خانواده را جشن می گیرند. در این مراسم ادعیه هایی توسط موبدان خوانده می شود و بعضی از دعاها باید به صورت دسته جمعی خوانده شود که این دسته جمعی خواندن در انسجام و وحدت و آرامش روانی افراد بسیار موثر و مفید خواهد بود.

جمع بندی

- ۱- در همه ادیان به صورت مشترک طبق آیین های مشابه این مراسم انجام می گیرد. (دین از دیدگاه دورکیم)
- ۲- سن سدره پوشی در پسران و دختران بین ۷-۱۵ سال می باشد.
- ۳- در شهرهای مذهبی مانند یزد، این مراسم سنتی تر برگزار می گردد.
- ۴- در برگزاری این آیین ها انسجام و وحدت بین اعضاء جامعه و وفاق و همدلی بین آنها بیشتر جلوه می کند و افراد از حال و روز یکدیگر خبردار می شوند و اگر کسی دچار بحران یا ناراحتی و گرفتاری شده باشد، با همیاری و مشارکت سایرین گره از کار و مشککش برداشته می شود. (انسجام از دیدگاه دورکیم و نظریه کارکرد گرایی)
- ۵- هر چقدر به این مراسم و آیین ها ارج و احترام گذاشته شود، نسل های بعدی با هویت و با انگیزه تر مفاهیم فرهنگی را به نسل های بعد انتقال می دهند. (کارکردهای دین از دیدگاه دورکیم)
- ۶- در جشن ها با استفاده از نظریه مبادله به صورت انتقال کالا، هدیه و پیشکش مبادله می شود که کارکرد اقتصادی (اجتماعی درون گروهی) دارد. (نظریه کولا)

۱۴۶..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶

۷- در این جشن‌ها و مراسم که اغلب به صورت همگانی و دسته جمعی برگزار می‌شود، برای افرادی که در صحنه‌های سیاسی فعالیت دارند، پایگاهی جهت آشنایی آنها با سایر افراد، دیدگاه‌ها و نظراتشان می‌شود. مانند نمایندگان مجلس و روسای انجمن‌های دینی که حضورشان در این مراسم باعث تبلیغ برای آنها و شناسایی وی خواهد شد. (کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دینی و اقتصادی و نظریه کارکرد گرای))

منابع

- آریان پور، امیرحسین، ۱۳۵۷، «نقدهایی بر زمینه جامعه‌شناسی»، تهران.
- آذر گشسب، موبد فیروز، ۱۳۸۴، «گاتها، سروده‌های آسمانی زرتشت»، تهران.
- اسدیان، محمد، ۱۳۸۴، «آیین‌های گذار در ایران»، (بررسی تطبیقی آیین‌های ایرانی در حوزه‌های فرهنگی و جغرافیایی)، نشر: روشنان، تهران.
- بیتس، دانیل و پلاگ، فرد، ۱۳۷۵، «انسان‌شناسی فرهنگی»، مترجم: محسن ثلاثی، انتشارات: علمی، تهران.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۰، «جامعه‌شناسی دین»، چاپ: مهارت، تهران.
- تی شفر، ریچارد، ۱۳۹۱، «فرهنگ فشرده جامعه‌شناسی»، ۸ جلد، ترجمه حسین شیران، دوزبان، همراه با تلفظ واژه‌ها، نشر: جامعه‌شناسی شرقی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، «لغت‌نامه»، جلد ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ناشر: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ژپلتو، پرنی، ۱۳۷۵، «روش تحقیق در انسان‌شناسی»، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات: علمی، تهران.
- ستوده، هدایت الله و رنجبر، محمود، ۱۳۸۰، «مردم‌شناسی با تکیه بر فرهنگ مردم ایران»، نشر: دانش آفرین، تهران.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ۱۳۸۵، «یهودیت»، چاپ دوم، ناشر: آیت عشق.
- شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۰ «دین، جامعه و عرفی شدن»، نشر: مرکز، تهران.
- طییبی، حشمت الله، ۱۳۷۱، «مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر»، انتشارات دانشگاه تهران.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۱، «تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی»، نشر: نی، تهران.
- معین، محمد، ۱۳۶۳، «فرهنگ معین»، ۹ جلد، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- مید، مارگارت، ۱۳۶۵، «بلوغ در ساموآ»، (ترجمه مهین میلانی فر)، چاپ خوشه.
- میشل، توماس، ۱۳۸۱، «کلام مسیحی»، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، نشر: حوزه علمی قم.

۱۴۷.....بررسی مردم شناختی مراسم گذار با تاکید بر آیین

جعفری بانی، محبوبه، پایان نامه، «تحلیل مردم شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر نامگذاری فرزندان شهرستان بابل»، استاد راهنما: دکتر محمدصاق فرید، استاد مشاور: دکتر محمد همایون سپهر،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکز تهران، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: پاییز ۱۳۸۹.

سایت مردم شناسی (Anthropology.ir)، نسرین پور، مقاله، «دین و مناسک گذار».

بهبودی، فرهنگیار در سازمان میراث فرهنگی، (تصاویر مراحل بستن کشتی بر روی سدره ۱۳۹۴/۰۸/۰۸).

وحیدی، موبد محراب، مصاحبه، ساعت ۶ پسین، آتشکده بزرگ زرتشتیان، تهران: ۱۳۹۴/۰۸/۰۸.

هنگامی، موبد سهراب، مصاحبه، ساعت ۵ پسین، آتشکده بزرگ زرتشتیان، تهران: ۱۳۹۴/۰۸/۱۲.